



بررسی رویه اداری پیش‌گیری از ورشکستگی در فرانسه و امکان کاربرد آن در نظام حقوق اداری ایران

مریم دادخواه*

میترا ضرابی**

چکیده

در راستای اقدامات پیش‌گیرانه قضایی، بحث پیش‌گیری از ورشکستگی مطرح است که دولت فرانسه در این خصوص بسیار موفق عمل کرده است. آمار ورشکستگی در ایران بالاست و به اقدامات پیش‌گیرانه نیاز دارد. این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی و با هدف بررسی رویه اداری دولت فرانسه برای مقابله با ورشکستگی و قابلیت اعمال این الگو در نظام حقوقی ایران انجام شده است. با وجود نوشته بودن قوانین اصلی فرانسه، نظام حقوق اداری این کشور اثرپذیری خاصی از عرف داشته است و نهادها بدون رعایت مسائل سلسله‌مراتبی، همکاری مناسبی با یکدیگر دارند و مسئولیت‌های حقوقی خود را به صورت عرفی تعیین کرده‌اند. تقسیم‌بندی ورشکستگی به دو نوع ظاهری و واقعی، اصلی‌ترین اثر را بر سازوکار اداری پیش‌گیری یادشده دارد و سیاست کلی مقامات این کشور، تبدیل نشدن نوع توقف از نوع ظاهری به واقعی است. در ایران به سبب محدودیت امور اداری به اسناد حقوقی - اجرایی و انجام نشدن امور اداری خارج از اسناد حقوقی، به ویژه در بحث سلسله‌مراتبی، امکان اجرای این الگو وجود ندارد و نیاز است که اسناد حقوقی مقتضی در این خصوص تنظیم شود و جزئیات دقیق مسئولیت‌ها به صراحت ذکر گردد.

کلیدواژه‌ها: ورشکستگی، نظام حقوقی فرانسه، پیش‌گیری، حقوق اداری، توقف.

مقدمه

به صورت عمومی و در مورد هر پدیده نامطلوب، این ضرب‌المثل عنوان می‌شود که «پیش‌گیری بهتر از درمان است». گاهی درمان یک پدیده نامطلوب عملاً ممکن نیست و اشاره افکار عمومی به سمت مسئولانی است که می‌توانستند مانع از بروز این مشکل شوند. برای مثال، در بحث زلزله، تاکنون راهکار قطعی برای مقابله با آن ارائه نشده، ولی افکار عمومی، دولت‌ها را مسئول ساخت منازل مقاوم در برابر زلزله می‌دانند، همان گونه که این رویه در کشور ژاپن با موفقیت اجرا شده است.

در خصوص ورشکستگی نیز همین بحث وجود دارد. به دلایل مختلف، ممکن است یک تاجر (شخصیت حقیقی یا حقوقی) به میزان بیش از دارایی خود بدهکار باشد. در این صورت، حتی به فرض مجازات کیفری وی، مال طلبکاران تزییع می‌شود و نظام حقوقی از احقاق حقوق این افراد ناتوان است. اگر پدیده ورشکستگی در جامعه رواج یابد، امنیت اقتصادی خدشه‌دار می‌شود و سرمایه‌گذاران از بیم از دست رفتن اموال خود، حاضر نخواهند شد در کاری شراکت کنند. متأسفانه، رویه حقوقی، اجرایی و اداری ایران برای پیش‌گیری از ورشکستگی بسیار ضعیف است و هر از گاه، خبر تزییع مال به صورت کلان در رسانه‌ها منتشر می‌شود. نظام حقوقی فرانسه به بحث پیش‌گیری از ورشکستگی توجه ویژه کرده است و این موضوع مهم در حقوق اداری این کشور جایگاهی ویژه دارد. در سال ۲۰۱۸، در یک تحقیق، هماهنگی اداری در فرانسه، عامل موفقیت در پیش‌گیری از ورشکستگی عنوان شد.^۱ در جایی دیگر، تشریفات دادرسی قضایی مناسب در این کشور، عامل کاهش ورشکستگی در این کشور دانسته شد.^۲ ترکیبی بودن نوع نظام حقوقی این کشور به صورت «کامن‌لایی» و «نوشته» نیز عاملی برای افزایش اختیارات اداری در مقابله با ورشکستگی به شمار می‌رود.^۳ در بررسی آماری ورشکستگی، نظام حقوق اداری فرانسه نسبتاً موفق ارزیابی شده است.^۴ تحقیقات بین‌المللی، موفقیت نظام حقوقی فرانسه برای کاهش ورشکستگی را بررسی و تحسین کرده‌اند، اما عامل موفقیت در این کشور از نظر ماهوی بررسی نشده است.

1-Maleki, M., Eslami, M. and Rezaei, M., «Principles of Arbitration in Oil Contracts», Revista Publicando, 2018., 5.14, p. 60

2-Jones, Odwyn, Lilford, Eric and Chan, Felix, The Business of Mining: Mineral Project Valuation. CRC Press., 2018, p. 58

3-Guerini, Mattia, et al., “Dynamique des défaillances d'entreprises en France et crise de la Covid-19”, OFCE Policy brief 73, 2020, p. 22

4-Guthrie, Benjamin K. and Hioureas, Christina G., Sovereignty Disputes and Offshore Development of Oil and Gas. 2018, p. 121

اصل مبحث ورشکستگی، از موضوعات مربوط به حقوق خصوصی است و در حیطه حقوق اداری جایی ندارد. موفقیت دولت‌مردان فرانسه در پیش‌گیری از ورشکستگی، به نظام اداری خاص این کشور مربوط می‌شود. همچنین اقداماتی که در چارچوب حقوق اداری فرانسه صورت پذیرفته، منجر به کاهش ورشکستگی در این کشور شده است. با وجود نوشته بودن قوانین کشور فرانسه، نظام اداری این کشور از عرف‌هایی پیروی کرده است که گاهی منشأ آن، دستورهای منسوخ‌شده مقاماتی است که امروزه در مسند قدرت نیستند. با این حال، عرف حقوقی مربوط به آن شکل گرفته است و به سبب بازدهی مناسب این اقدامات، مسئولان نسبت به نبود سند حقوقی الزام‌آور اداری اعتراضی ندارند. بنابراین، نظام حقوق اداری خاص کشور فرانسه، بستری مناسب برای پیش‌گیری از ورشکستگی تلقی می‌شود که اجرای الگوی مشابه آن در دیگر کشورها نیازمند بررسی است.

پژوهش کنونی با وجود موضوع ورشکستگی که از موضوعات حقوق خصوصی است، در حیطه موضوعات پژوهشی با زمینه حقوق عمومی و اداری نیز جای دارد. تحقیق در خصوص پیش‌گیری از ورشکستگی در حقوق ایران به ویژه در بخش اداری کاملاً بدیع و بی‌پیشینه است. از این رو، این پژوهش در نوع خود دارای نوآوری است.

سؤال پژوهش این است که عوامل موفقیت نظام حقوقی - اجرایی فرانسه در مقابله با ورشکستگی، از دیدگاه حقوق اداری چیست و چگونه در نظام حقوق اداری ایران قابل اجراست؟ فرضیه پژوهش این است که قوانین، اختیارات و هماهنگی‌های اداری مناسب در کشور فرانسه برای مقابله با پیش‌گیری از ورشکستگی، عامل موفقیت این کشور است. در حال حاضر، پیش‌گیری از ورشکستگی به دلیل نبود سند اجرایی و تعهدات اداری در ایران قابلیت اجرایی ندارد.

پس از اعمال تحریم‌های غرب علیه ایران در دهه ۹۰ خورشیدی، آمار ورشکستگی روزبه‌روز افزایش یافت و در حال حاضر، پرونده‌های کثیرالشاکي فراوانی در دادگاه‌های کشور در دست بررسی است. از این رو، افکار عمومی از نظام‌های اجرایی و قضایی انتظار دارد که از گسترش چنین مشکلاتی جلوگیری شود و قوه قضاییه، وظیفه خود را در پیش‌گیری از وقوع جرم به خوبی اجرا کند. بنابراین، انجام دادن این تحقیق با توجه به بی‌پیشینه بودن پیش‌گیری از جرم ورشکستگی در کشور ضرورت دارد.

پس از بررسی مفاهیم مربوط، ساختار حقوقی - اداری ورشکستگی در کشور فرانسه و رویه اداری پیش‌گیری از ورشکستگی در فرانسه واکاوی می‌شود. در ادامه، قابلیت اجرای این رویه در نظام حقوقی ایران بررسی می‌گردد و مبتنی بر بحث‌های مطرح‌شده، نتیجه‌گیری و پیشنهاددهی صورت می‌گیرد.

گفتار اول. مفاهیم و مبانی پژوهش

متغیرهای «تاجر» و «ورشکستگی»، کلیدواژه‌های اصلی این پژوهش هستند. تعریف‌های متعددی از این دو واژه در متون حقوقی ذکر شده است.

بند اول. تاجر

در فرهنگ لغت دهخدا، تاجر به عنوان «بازرگان» آمده است. در فرهنگ لغت معین نیز چنین تعریفی از تاجر ذکر شده است. البته عمید، تاجر را شخصی می‌داند که کالا را به صورت عمده خرید و فروش می‌کند.^۱ از نظر حقوقی نیز به موجب ماده یکم قانون تجارت، مصوب ۱۳۱۱، «تاجر، کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار بدهد.» این ماده حقوقی تاکنون تغییر نیافته است.

در قانون تجارت فرانسه، قانون‌گذار به تعریف تاجر با دو مفهوم شخصی و موضوعی پرداخته است. «مفهوم موضوعی»، ملاک شناخت شخص تاجر را اعمال تجارتي قرار می‌دهد. برای مثال، در ماده یکم قانون تجارت فرانسه، تاجر به عنوان شخصی تعریف شده است که شغل معمول خود را اعمال تجارتي قرار دهد و به موجب ماده ۶۳۲ همین قانون، تاجر، اعمال تجاری معین انجام می‌دهد. بر این اساس، اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی، در صورتی تاجر محسوب می‌شوند که اعمال تجارتي انجام دهند. در غیر این صورت، شرکت یادشده، مدنی به شمار می‌رود. در وضعیت تقنینی کنونی فرانسه، اشخاص حقوقی، موضوع حقوق خصوصی و شرکت‌های غیر تجاری که موضوع آن‌ها جنبه اقتصادی دارد، با آن‌که تاجر نیستند، مشمول مقررات حاکم بر ورشکستگی خواهند بود. البته اشخاص حقوقی موضوع حقوق عمومی مانند استانداری و شهرداری از این قاعده مستثنی هستند.^۲

بنابراین، چنین برداشت شده است که منظور از تاجر، شخصی حقیقی یا حقوقی است که به فعالیت تجاری اشتغال دارد. منظور از فعالیت تجاری، هر کسب و کار مبتنی بر سرمایه است و مشاغل خدماتی به سبب نداشتن سرمایه قابل توجه، دچار ورشکستگی نخواهند شد. بنابراین، در هر کسب و کار سرمایه‌ای، خواه به صورت خرد یا کلان، امکان ورشکستگی وجود دارد و شخص مشغول به این کار، تاجر نام دارد و می‌تواند دارای شخصیت حقیقی یا حقوقی باشد.

۱. لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ معین و فرهنگ عمید.

2-Gerhardt, Maria, "Consumer Bankruptcy Regimes and Credit Default in the US and Europe: A comparative study", CEPS Working Document No. 318, 27 July 2009, p. 154

بند دوم. ورشکستگی

ورشکستگی در فرهنگ لغت دهخدا، معادل «افلاس»، در فرهنگ لغت معین، «تهی‌دستی» و در فرهنگ لغت عمید، «ناچیزی» ذکر شده است. قانون تجارت ایران، تعریف دقیقی از ورشکستگی ارائه نکرده است. در رویه عرفی حقوق ایران، تاجر ورشکسته با شخصیت حقیقی یا حقوقی به شخصی اطلاق می‌شود که دارایی‌های وی برای تأدیه دیونش ناکافی باشد. قوه قضائیه، اداره‌ای با نام «تسویه» تأسیس کرده است که پس از حسابرسی‌های دقیق و مورد اعتماد، دارایی‌های ورشکسته را به تناسب ترکیب بدهکاری، بین طلبکاران تقسیم می‌کند. تأسیس «ورشکستگی» در حقوق فرانسه، ترکیبی از مندرجات قوانین نوشته و حقوق اداری عرفی است. از این رو، ماهیت این موضوع در حقوق فرانسه با حقوق ایران تفاوت دارد. قانون‌گذار فرانسه در قانون تجارت، احراز ورشکستگی را به تحقق چهار شرط وابسته دانسته است:

۱. عجز از پرداخت؛

۲. وجه نقد بودن دیون؛

۳. مسلم و منجز بودن دیون؛

۴. در دسترس بودن از محل دارایی‌ها.

قانون تجارت فرانسه از ورشکستگی با عنوان «توقف»^۱ نام می‌برد. قانون‌گذار فرانسه در سال ۱۹۸۵، تعریفی جدید از توقف ارائه کرد که بر اساس آن، توقف عبارت است از: «ناتوانی از پرداخت دیون مسلم و منجز مطالبه‌شده با دارایی در دسترس». قانون‌گذار در سال ۲۰۰۸، این اصلاح را انجام داد و مقرر داشت: «در صورتی که اعتبار مالی یا ارفاق طلبکارها، قابلیت این را داشته باشد که منجر به پرداخت بدهی تاجر شود، توقف رخ نمی‌دهد». به موجب این تعریف، قانون‌گذار فرانسه، دو تأسیس «ارفاق طلبکاران» و «اعتبار شخصی» را برای تاجر در نظر گرفت. این موارد حسب عرف اداری ایجادشده به حقوق نوشته این کشور اضافه شد. مطابق تأسیس نخست، در صورت بخشش طلبکارها، دادگاه، توقف را برای تاجر در نظر نخواهد گرفت. در مورد دوم، به شرط اعتبار مالی تاجر، دادگاه در صدور حکم ورشکستگی تعجیل نمی‌کند.^۲ فارغ از این بحث‌ها، دو تقسیم‌بندی اصلی از ورشکستگی در حقوق اداری فرانسه وجود دارد که اولاً در نوع خود دارای نوآوری است و این تقسیم‌بندی تاکنون در هیچ نظام حقوقی انجام نشده است. ثانیاً این تقسیم‌بندی هنوز در حقوق اداری عرفی این کشور جای دارد و سیر تقنینی آن سپری نشده است.

1-arrêter.

2-Abdala, Manuel A., "Key damage compensation issues in oil and gas international arbitration cases", Am. U. Int'l L. Rev., 2008, 24, p. 451

به موجب این تأسیس عرفی، ورشکستگی به دو مفهوم «توقف ظاهری» و «توقف واقعی» تقسیم شده است.^۱ در تأسیس نخست، مجموع دارایی و اموال و بدهی‌های تاجر بررسی نمی‌شود، بلکه پرداخت نشدن دیون، صرف نظر از این‌که دارایی تاجر چه قدر باشد، برای صدور حکم ورشکستگی کافی است.^۲ در تأسیس دوم، پرداخت نشدن دیون، به تنهایی دلیل توقف و صدور حکم ورشکستگی نیست، بلکه شخص باید واقعاً متوقف شده باشد، به این معنا که کارشناسان، همه دارایی‌های تاجر را بررسی می‌کنند. اگر در این بررسی مشخص شود که میزان دارایی تاجر برای پرداخت دیون وی کافی نیست، «عدم کفایت دارایی برای پرداخت دیون»، تاجر را متوقف می‌کند و حکم ورشکستگی او صادر خواهد شد.^۳

اثر اصلی این تقسیم‌بندی بر قابلیت پیش‌گیری از ورشکستگی در نظام حقوقی فرانسه محرز است. به همین دلیل، این تقسیم‌بندی عرفی، اقدام حقوقی - اداری صحیح برای مقابله با ورشکستگی تلقی می‌شود. در واقع، نظام حقوقی فرانسه به صورت عرفی و خارج از سیر دست و پاگیر تقنینی، تأسیسی خاص با عنوان «پیش‌ورشکستگی» ایجاد کرده و اقدامات پیش‌گیرانه در این بازه زمانی متمرکز است. اقدامات قضایی - اجرایی مقابله با ورشکستگی از این دوران آغاز می‌شود و با توجه به تعریف نشدن این دوره زمانی در حقوق دیگر کشورها، اقدامات قضایی تنها به زمان ورشکستگی واقعی محدود می‌شود که مهلتی برای پیش‌گیری باقی نخواهد گذاشت. بنابراین، نقطه عطف اقدامات پیش‌گیرانه دولت فرانسه برای ورشکستگی، تعریف دورانی پیش از ورشکستگی واقعی است.

گفتار دوم. ساختار حقوقی - اداری ورشکستگی در فرانسه

نظام حقوقی کشور فرانسه، بر خلاف بیش‌تر کشورهای اروپایی، از نوع «نوشته» محسوب می‌شود و پیشینه قوی تقنینی این کشور موجب الگوبرداری بسیاری از قانون‌گذاران دیگر از قوانین این کشور شده است. با این حال، نظام اداری فرانسه به صورت عرفی اداره می‌شود و صدور بخش‌نامه تنها به دستورهای فوری و بسیار ضروری محدود است. چون بر اساس حقوق عرفی اداری این کشور، تأسیس‌های جداگانه‌ای برای ورشکستگی منظور شده است، در این گفتار، ساختار حقوق اداری عرفی فرانسه در مورد ورشکستگی بررسی

1-Alaedini, Amirabbas and Azarbaijani, Alireza, "Clarifying the Existing Approaches to Prevent Companies from Bankruptcy in the Bill of Trade and the France's Law", Journal of Strategic Management Studies, 2016, 6.24, p. 59

2-Fontanelli, Filippo and Tanzi, Attila, "Jurisdiction and admissibility in investment arbitration. A view from the bridge at the practice", The Law & Practice of International Courts and Tribunals, 2017, 16.1, p.121

3-Borghetti, Jean-Sébastien, "Civil Liability for Artificial Intelligence: What Should its Basis Be?", La Revue des Juristes de Sciences Po, 2019, 17, p. 101

می‌شود که بخش اعظم آن از حقوق عرفی و بخش مختصر آن از منابع حقوق نوشته استخراج شده است.

بند اول. قوه قضاییه

مطابق قانون اساسی فرانسه، قوه قضاییه، قوه‌ای مستقل است و حکم رئیس این قوه به صورت تشریفاتی توسط رئیس جمهوری این کشور تنفیذ می‌شود. قوانین مدون در خصوص ضابطان دادگستری، مطلب خاصی بیان نکرده‌اند. بنابراین، تشخیص نوع ضابط و هم‌چنین شیوه همکاری مقامات قضایی با ضابطان، به صورت عرفی است.^۱ این در حالی است که در ایران، این نوع رابطه تابع مفاد آیین دادرسی است و جز این، دیگر منابع حقوقی به صورت خاص به نوع همکاری بین نهادهای ضابط با قوه قضاییه صراحت دارند.^۲

در خصوص مسائل ورشکستگی، گزارش‌های عادی سالانه پلیس اقتصادی به دادگاه محل قابل توجه است. در ادامه، منشأ دریافت اطلاعات توسط پلیس اقتصادی شرح داده شده است که حسب روابط عرفی اداری با دیگر نهادها حاصل می‌شود. گزارش‌های عادی به صورت سالانه و گزارش‌های فوق‌العاده به درخواست قوه قضاییه، در پایان هر ماه اعلام می‌شود. این ارتباط بین قوه قضاییه و پلیس اقتصادی به صورت عرفی شکل گرفته و از سال ۱۹۵۰ میلادی به صورتی که گفته شد، رسمیت یافته است.

نکته قابل توجه این است که حسب همین عرف، ارگان‌های غیر ضابط مختارند به استعلام‌های قوه قضاییه در خصوص اطلاعات شخصی پاسخ ندهند. در صورت درخواست اطلاعات توسط قوه قضاییه از نهادی غیر ضابط، اگر این اطلاعات جنبه شخصی داشته باشد، آن ارگان مختار است پاسخ ندهد و تعهدی در این باره ندارد.^۳ البته بخش‌نامه LR۳۲-۴۳ در سال ۱۹۷۵ نیز بر این موضوع تأکید کرده و اکنون پس از گذشت چند دهه به صورت عرفی باقی مانده است.^۴

1-Bueno, Nicolas and Bright, Claire, "Implementing human rights due diligence through corporate civil liability International & Comparative Law Quarterly, 2020, 69.4, p. 800

۲. آرای، مسعود، پژمان محمدی و غلام‌حسن مزارعی، «اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای مشارکت در حقوق اداری ایران»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره سوم، ۱۴۰۰، ص ۷۵.

3-Chong, Shou Yu and Alexander, Nadja Marie, Case Note: Enforceability of Agreements to Mediate in English Law, 2020, p. 432

۴. حاجی، محمد، «بررسی مسئولیت امضاکنندگان اسناد تجاری در حقوق ایران با نگرش به لایحه جدید قانون تجارت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان کردستان، سقز، ۱۴۰۰، ص ۵۴.

نقش قوه قضائیه در خصوص ورشکستگی شرکت‌ها به این صورت خلاصه شده است که حسب گزارش‌های به دست آمده از پلیس اقتصادی، وضعیت شرکت‌ها به صورت پنج‌درجه‌ای تقسیم‌بندی می‌شود که در این خصوص، تصمیم مقتضی را می‌گیرد. سازمان حسابرسی کل کشور نیز درجه‌بندی ده‌گانه برای بررسی وضعیت مالی شرکت‌ها دارد که از سال ۲۰۰۰ به بعد و پس از تقویت تأسیس عرفی توقف ظاهری، این دو درجه‌بندی، شکلی یک‌پارچه به خود گرفت. معیار اقدامات اجرایی - قضایی حسب درجه‌بندی جدید است که در ادامه، جزئیات آن تشریح می‌شود. گویا در صورت نبود این درجه‌بندی، تمامی اقدامات پیش‌گیرانه دولت فرانسه بی‌اثر باقی می‌ماند.

ساختار بندی ورشکستگی حسب اختیارات اداری قوه قضائیه و سازمان حسابرسی کل کشور فرانسه انجام شده است که نخستین اقدام برای مقابله با ورشکستگی محسوب می‌شود. این اقدام در دیگر کشورها پیشینه‌ای ندارد. نخستین اقدام برای مقابله با یک پدیده نامطلوب، مطالعه و ساختار بندی آن است. در ایران، بسیاری از جرایم به این صورت مطالعه شده‌اند. تا زمانی که اطلاعات دقیقی از اقسام پدیده نامطلوب وجود نداشته باشد، اقدامات مقابله نیز چندان هدفمند نخواهد بود. با این حال، استقلال این دو سازمان در فرانسه موجب موازی‌کاری در ساختار بندی ورشکستگی می‌شود که باید ضمن همکاری با یکدیگر، تقسیم‌بندی یکسانی در خصوص ورشکستگی صورت گیرد. به صورت کلی، این اقدام، گامی مهم برای ضابطه‌مندسازی مقابله با ورشکستگی است.

بند دوم. سازمان بورس

حسب حقوق عرفی اداری فرانسه، نهادهای غیر ضابط، رابطه چندان الزام‌آوری با قوه قضائیه ندارند و مختارند به استعلام‌هایی که جنبه شخصی دارند، پاسخ ندهند. بنابراین، گزارش‌های حسابرسی سازمان بورس این کشور به عنوان نهادی غیر ضابط به قوه قضائیه ارسال نمی‌شود. به موجب مفاد باب چهاردهم قانون مدنی این کشور، دریافت اطلاعات شخصی افراد به جز در موارد جنایی و سیاسی ممنوع است. به نظر می‌رسد که این نظام عرفی حسب تفسیر موسّع از این ماده حقوقی پدید آمده است.

سازمان بورس این کشور قانون نوشته ندارد و امور آن به صورت عرفی شکل گرفته که از سال ۱۹۸۳ تقویت شده است. اساس‌نامه این سازمان به عنوان نهادی عمومی در سال ۲۰۰۵ به تصویب پارلمان این کشور رسید.^۱ به عقیده حقوق دانان، پس از این تاریخ می‌توان به اساس‌نامه این سازمان به چشم منبع حقوقی نگریست.

1-Cossart, Sandra, Chaplier, Jérôme and De Lomenie, Tiphaine Beau, "The French law on duty of care: A historic step towards making globalization work for all", Business and Human Rights Journal, 2017, 2.2, p. 320

مطابق ساختار حقوقی یادشده (ترکیب حقوق نوشته و عرفی)، در صورت تشخیص وضعیت مالی نامناسب شرکت‌ها توسط کارشناسان بورس، رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل آن شرکت به سازمان دعوت می‌شود و ضمانت حضور آن‌ها در سازمان، توقف نماد معاملاتی شرکت است. این اختیار اداری سازمان بورس حسب عرف یادشده محرز است.^۱ بنابراین، نهاد عمومی بورس از اختیاراتی برای بازرسی مالی شرکت‌ها بهره‌مند است که حسب اساس‌نامه خود و سپس عرف حقوقی شکل گرفته است.

پس از پایان جلسه کارشناسان بورس با رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مشکوک به ورشکستگی، سازمان بورس حمایت‌هایی انجام می‌دهد. در صورت نیاز به تسهیلات مالی برای رفع مشکلات مالی شرکت، سازمان بورس ضمن ارسال «توصیه‌نامه»^۲ به بانک، درخواست خود را مطرح می‌کند. از زمان دستور اجرایی دوران فرانسوا میتران،^۳ بانک‌ها ملزم به اعطای تسهیلات حسب توصیه‌نامه سازمان بورس شدند. این موضوع مهم تاکنون به عنوان عرف اداری باقی مانده است و بانک‌ها بنا به این توصیه‌نامه، تسهیلات مورد نظر را به شرکت اعطا می‌کنند.^۴

حسب این دستور، در صورت ارسال نامه سازمان بورس، همه ارگان‌های دولتی که نیاز خود را از محصول یا خدمات مورد نظر تهیه می‌کنند، ملزم به خرید خواهند بود. این الزام تا یک سال پس از صدور توصیه‌نامه سازمان بورس ادامه دارد. حسب عرف اجرایی، در این خصوص سخت‌گیری وجود دارد و مسئولان دولتی، پی‌گیر مطالبات شرکت‌ها حسب توصیه‌نامه هستند.^۵

در این جا چند نکته حقوقی قابل توجه است. به موجب قواعد اجرایی کشور، دستورهای رئیس قوه مجریه تا زمان حیات دولت اعتبار دارد، اما در صورت اعتراض نکردن به آن، عرف خاص آن شکل می‌گیرد و تا زمان اقدام حقوقی قاطع علیه آن، مفاد یادشده در ادبیات عرفی حقوق اداری جای خواهد گرفت. به موجب اقدام اجرایی رئیس جمهوری وقت و سپس جایگاه عرفی حقوقی بورس در نظام اقتصادی، جایگاه سازمان بورس تقویت می‌شود و اجرای توصیه‌نامه‌های آن به عنوان سندی لازم‌الاجرا بر دیگر ارگان‌ها الزامی است. در این باره، رعایت

1-Alaedini and Azarbaijani, op. cit., p. 45.

2-Recommenation .

3-François Maurice Adrien Marie Mitterrand .

4-Dafe, Florence and Williams, Zoe, "Banking on courts: financialization and the rise of third-party funding in investment arbitration", Review of international political economy, 2021, 28.5, p. 1370

5-Ghaisary, Seyed Ata, Yousefzadeh, Morteza and Habib, Mahmood, "Preventive civil liability and its educational principles in the high school social studies textbook", Revista Conrado, 2020, 16.76, p. 72

سلسله‌مراتب ضرورت ندارد و با وجود استقلال کامل سازمان بورس، توصیه‌نامه وی حسب دستور نخست رئیس جمهوری وقت و شکل‌گیری عرف حقوقی مرتبط با آن لازم‌الاجراست. از نظر اداری، جایگاه بورس تقویت شده است؛ چون حسابرسی‌های سازمان بورس، در بیش‌تر کشورها، قابل اعتمادترین گزارش‌های مالی محسوب می‌شوند. دولت‌مردان فرانسه از این اعتماد استفاده می‌کنند و تشخیص نیاز به کمک مالی شرکت‌ها را به درخواست سازمان بورس وابسته کرده‌اند. با این حال، تشخیص نشانه‌های اولیه ورشکستگی نیز بر عهده این نهاد قرار دارد. ضمن شناسایی استقلالی و توانایی بورس فرانسه، تشخیص وضعیت مالی شرکت‌ها به این نهاد واگذار شده که حسب آن نیز به درخواست‌های مساعدت از این سازمان اعتبار بخشیده شده است. مشابه این اقدام را می‌توان در دیگر کشورها انجام داد.

بند سوم. وزارت دادگستری

حسب تفسیر موسع از فصل قوه قضاییه در قانون اساسی فرانسه، وزارت دادگستری حق استعلام تمامی اطلاعات غیر شخصی از اداره‌ها را دارد و نسبت به خود قوه قضاییه، از اختیارات تحقیقاتی بیش‌تری برخوردار است. بنابراین، اطلاعات مالی شرکت‌ها به صورت محدود از سمت سازمان بورس به وزارت دادگستری این کشور ارسال می‌شود. با این حال، اداره تسویه حساب^۱ که در زمان ورشکستگی به امور تسویه می‌پردازد، زیر نظر این وزارت قرار دارد.^۲ پس از دستور اجرایی ۱۹۸۲ میتران که عرف حقوقی آن شکل گرفته است و در حال حاضر نیز اعتبار لازم را دارد، موارد مشکوک به ورشکستگی که وزارت دادگستری تشخیص دهد، به وزارت اقتصاد این کشور ارسال می‌شود. در صورت تأیید خطر ورشکستگی توسط وزارت اقتصاد، شعبه‌های وزارت دادگستری در استان‌ها، حق صدور حکم تعطیلی شرکت را به مدت حداکثر دو ماه دارند.^۳

بنابراین، می‌توان چنین برداشت کرد که وزارت دادگستری حق نظارت دایمی بر فعالیت شرکت‌ها را دارد و گزارش‌های مشکوک از سازمان بورس و اداره حسابرسی کل کشور را دریافت می‌کند. در هر صورت، مقامات وزارت دادگستری با توجه به اختیار تعطیلی دوماهه کسب و کار می‌توانند با صاحب کسب و کار، مذاکره و آن‌ها را به تسویه دیون راضی کنند. بر این اساس، مسئولیت نظارت در این خصوص به وزارت یادشده اعطا شده است.

1-Vérifier.

۲. عبداللهی، حسن، «شرایط ماهوی تحقق ورشکستگی در قانون تجارت و لایحه جدید قانون تجارت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان کردستان، سقز، ۱۳۹۸، ص ۴۳.

3-Abdala, op. cit., p. 47.

اعطای چنین اختیار بالایی به نهادی اجرایی - قضایی پسندیده است و می‌تواند بدون تشریفات دست و پاگیر اداری - قضایی موجب رشد اقدامات قاطع و اثربخش این نهاد شود. به نظر می‌رسد اعطای چنین اختیاری به پلیس اقتصادی که ضابط قضایی محسوب می‌گردد، موجب نتیجه‌بخشی بهتر اقدامات پیش‌گیرانه شود؛ چون در نظام اداری - قضایی، عمده اقدامات تحقیقاتی با توجه به تجربه‌های تخصصی، بر دوش ضابطان دادگستری قرار دارد.

بند چهارم. زیرمجموعه‌های وزارت اقتصاد

نقش وزارت اقتصاد در مقابله با ورشکستگی، به نسبت دیگر ارگان‌های یادشده نسبتاً پیچیده ارزیابی می‌شود. حسب توصیه‌نامه سازمان بورس، بانک‌ها ملزم به پرداخت وام به شرکت‌ها هستند. وزارت اقتصاد به عنوان نهاد متولی بانک‌ها، حق دخالت در این مورد را ندارد و بنابراین، سلسله‌مراتب در این وضعیت وجود ندارد. عرف شکل گرفته، نوعی تعهد حقوقی بین بانک‌ها و سازمان بورس ایجاد کرده که با توجه به عمومی بودن سازمان بورس، سلسله‌مراتب اداری در این جا نادیده انگاشته شده است.

سازمان حسابرسی کل کشور فرانسه که زیرمجموعه وزارت اقتصاد است، در گزارش‌های تفصیلی سالانه، درجه‌بندی ۱ تا ۱۰ را برای ورشکستگی در نظر گرفته و این گزارش‌ها به صورت مستقیم به وزارت دادگستری (و نه قوه قضاییه) قابل ارسال است. پس از برگزاری اولین جلسه مشترک بین سازمان حسابرسی و پلیس اقتصادی در تاریخ ۱۹۸۵/۰۷/۰۵ برای هماهنگی در خصوص مقابله با ورشکستگی، این جلسه به صورت عرفی، هر دو ماه، یک بار تشکیل شده است که تاکنون نیز ادامه دارد. بنابراین، کمیته‌ای برای هماهنگی بین دو نهاد سازمان حسابرسی و پلیس اقتصادی ایجاد شده است که به شورای امنیت کشور ما شباهت ویژه‌ای دارد (شورای امنیت، هماهنگ‌کننده بین وزارت‌خانه‌های اطلاعات و کشور است).^۱

در غیاب الزام به رعایت سلسله‌مراتب، گزارش‌های اداره حسابرسی این کشور، پس از جلسه مشترک با پلیس اقتصادی به قوه قضاییه قابل ارسال است. معمولاً این گزارش‌ها به نسبت دیگر اسناد، از اعتباری بالاتر برای قوه قضاییه برخوردار است.^۲ با توجه به این‌که پلیس اقتصادی، نهادی ضابط محسوب می‌شود، پس از استعلام قوه قضاییه، ملزم به ارسال اطلاعات غیر شخصی افرادی می‌شود که پس از جلسه مشترک با اداره حسابرسی به دست آورده است.

۱. ناصحی، میثم، علی فقیه حبیبی و کیوان صداقتی، «تأملی بر استقلال واحدهای محلی از منظر آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره سوم، ۱۴۰۰، ص ۴۵.

2-Baubeau, Patrice and Angelo Riva, "Au prisme du scandale: crise, faillites bancaires et régulation financière dans la France de l'entre-deux-guerres", *Entreprises et histoire* 101, 4, 2020, p. 52

نقطه قوت این اقدامات آن است که مسئولان فرانسوی، منتظر رخ دادن ورشکستگی نمی‌مانند و در بررسی‌های دایمی خود، شرکت‌های مشکوک به ورشکستگی را شناسایی می‌کنند. با توجه به رسالت قوه قضاییه و حریمیت آن در تمامی امور باید الزام به ارسال هر نوع گزارش به این قوه در اسناد حقوقی ذکر شود. حتی در مسائل امنیتی نیز ارسال اسناد سری و فوق سری به این قوه به موافقت رئیس جمهوری بستگی دارد که معمولاً به سبب دیر ارسال شدن اطلاعات، مشکلات زیادی در دادرسی‌های امنیتی ایجاد می‌شود. بنابراین، به صورت کلی نیاز است که الزام به ارائه اطلاعات به این قوه تقویت شود.

گفتار سوم. رویه اداری در مرحله توقف ظاهری

همان‌گونه که بیان شد، منظور از توقف ظاهری آن است که تاجر با وجود برخورداری از دارایی مکفی، نقدینگی لازم را ندارد و آمار بدهکاری‌ها و اموال غیر منقول وی گویای این مهم است. رویه اداری قوه مجریه فرانسه برای مقابله با ورشکستگی در هر دو حالت بررسی می‌شود و ذکر این نکته قابل توجه است که تأسیس مورد نظر (تفکیک به توقف ظاهری و واقعی) در موفقیت نظام حقوق اداری فرانسه در مقابله با ورشکستگی نقش مهمی دارد. البته انتقادهایی به رویه اداری این کشور نیز وجود دارد.

بند اول. معیار شناسایی

گفتیم که قوه قضاییه و سازمان حسابرسی، به صورت مستقل، درجه‌بندی‌هایی از وضعیت مالی شرکت‌های تجاری انجام داده‌اند. هر چند تقسیم‌بندی توقف به دو نوع ظاهری و باطنی از سال ۱۹۵۰ رسماً وجود داشته است، اما این تقسیم‌بندی در درجه‌بندی مورد نظر جایی نداشت. در این باره نیز منبع حقوقی مستقلی وجود ندارد و در نهایت، پس از دهه ۱۹۹۰، به صورت عرفی، قوه قضاییه فرانسه، این درجه‌بندی را زیرمجموعه‌ای از تقسیم‌بندی دوگانه توقف دانست.^۱

بنابراین، درجه‌بندی به ۱۰ نمره افزایش یافت که موجب وحدت در تقسیم‌بندی دو نهاد یادشده گردید. پس از سال ۲۰۰۰ و بحران‌های مالی این کشور، به صورت عرفی و ناخواسته، این تقسیم‌بندی‌ها ادغام شد و پس از تعریف دو نوع توقف، معیارهای ۱ تا ۵ برای وضعیت مالی در هر گروه تعریف شده است که درجه ۵، بدترین وضعیت مالی و درجه ۱، بهترین وضعیت را نشان می‌دهد.

۱. باقری، مصطفی و فاطمه رنگرز باسلیقه، «اسناد تجاری در حقوق تجارت»، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه

پایدار جامعه مدنی، شیراز، ۱۳۹۴، ص ۸.

گزارش‌های حسابرسان معتمد فرانسه که معمولاً تلفیقی از دو گزارش مستقل مالی است، معیار قرار می‌گیرد.^۱ بنابراین، استقلال حسابرسی در نظام اداری فرانسه به خوبی رعایت می‌شود. هزینه حسابرسی مجدد و اظهار نظر تطبیقی نیز معمولاً از منابع عمومی بورس و در صورت ناتوانی این نهاد، از منابع عمومی دولتی وزارت اقتصاد پرداخت می‌گردد.^۲ این موضوع موجب خواهد شد که دغدغه مالی پرداخت دست‌مزد حسابرس در شرکت‌ها وجود نداشته باشد.

گفتیم که ساختار بندی ورشکستگی، نخستین اقدام مفید دولت فرانسه برای مقابله با ورشکستگی دانسته می‌شود. چون به سبب دغدغه دست‌مزد حسابرس، ممکن است حسابرسی با تجربه کم‌تر استخدام شوند که گزارش‌های مالی آن‌ها شفاف نباشد، اقدام دولت فرانسه در پرداخت دست‌مزد از منابع عمومی موجب استقلال کامل حسابرس می‌شود که اعتماد به گزارش مالی و به تبع آن، تقسیم‌بندی وضعیت مالی را تقویت می‌کند.

بند دوم. همکاری با قوه قضاییه

در مرحله توقف ظاهری، قوه قضاییه از اختیارات اجرایی - اداری خود برای صادر نکردن حکم ورشکستگی استفاده می‌کند. با این حال، می‌تواند در قبال این موضوع مهم، مطالباتی از تاجر داشته باشد. علاوه بر قانون تجارت، در قانون مدنی فرانسه نیز سعی شده است در صورت امکان از صدور حکم ورشکستگی پرهیز شود و از طریق اخطار و نظارت بر فعالیت‌های تاجر، از وقوع ورشکستگی جلوگیری کنند.

راهبرد بعدی، توقف اجرائیات و احکام در حال اجرا علیه تاجر است. در این مرحله، دادرسان برای حمایت از تاجر و به منظور هدایت آن‌ها به تصفیه حساب بستانکاران، مانع از اجرای احکام می‌شوند و اجرای احکام را به طور موقت، متوقف می‌کنند. گفتنی است که این اقدامات قوه قضاییه در مراحل ۱، ۲ و ۳ ورشکستگی ظاهری انجام می‌شود.

رسالت حسابرس قانونی، تأیید صادقانه بودن صورت‌حساب‌های سالیانه شرکت و ترسیم تصویری شفاف از فعالیت‌ها و وضعیت شرکت برای سال مالی، وضعیت مالی و سرمایه‌های شرکت به دادگاه است. این وظیفه در سه مرحله تحقق می‌یابد:^۳

1-Lal, Hamish and Casey, Brendan, "Multi-Tiered Dispute Resolution Clauses in International Arbitration-The Need for Coherence", ASA Bulletin, 2020, 38.4, p. 65

2-Ibid, p. 66.

3-Khorsand, Badiei, et al., "A Comparative and Educational Study of Laws in Litigation of Religious Minorities in Iran and Lebanon", Iranian Journal of Comparative Education, 2020, 3.2, p. 730

۱. درخواست اطلاعات از رئیس هیئت مدیره؛

۲. دعوت برای تشکیل جلسه هیئت مدیره؛

۳. آگاه کردن سهام‌داران.

گفتنی است اخطار یا هشدار حسابرس قانونی، ملاک عمل قوه قضاییه قرار می‌گیرد. تبعیت نکردن از اخطارهای حسابرسان رسمی مستوجب مسئولیت‌های کیفری خواهد شد. بنابراین، می‌توان گفت که اقدامات قوه قضاییه برای مقابله با ورشکستگی در مرحله ظاهری آن است که ضمن مذاکره با اعضای اصلی شرکت، صادر نکردن حکم ورشکستگی را به تسویه بدهکاری تا مهلت مشخص وابسته می‌کند. این موضوع مهم به آیین سازش در ایران شباهت زیادی دارد. در واقع، قوه قضاییه بدون استفاده عملی از اختیارات خود و با رویه کدخدامنشی، تاجر یا تجار را به تسویه دیون قانع می‌کند.

وزارت دادگستری نیز به صورت مستقل می‌تواند از حق تعطیلی دوماهه کسب و کار استفاده کند که معمولاً تجار را ملزم به این تعهد می‌کند که بدون اطلاع وزارت دادگستری، حق فروش اموال غیر منقول را ندارند. بنابراین، مانع از اقدامات هدفمندانه فرار از دین می‌شود. تنها انتقاد وارد شده به این رویکرد آن است که این اقدامات می‌توانست به صورت یک پارچه و مشترک از جانب نهادهای یادشده انجام شود.

بند سوم. اقدامات حل اختلاف

در صورت تشخیص مسئولان قضایی به خطرناک شدن وضعیت توقف ظاهری، دستور تشکیل شورای مصالحه بین طلبکاران و تاجر یا تجار صادر می‌شود. قوه قضاییه، توقیف اموال غیر منقول را نیز در این مرحله انجام می‌دهد. این اقدام شبه‌قضایی به مراحل ۴ و ۵ توقف ظاهری مرتبط است. مأمور ویژه در مرحله ۵ تعیین می‌شود.^۱

فرآیند مصالحه در حقوق فرانسه (در مرحله ۴ انجام می‌شود)، بر خلاف قرارداد ارفاقی در ایران، برای جلوگیری از ورشکستگی است. قبل از این راهکار، در قانون سال ۱۹۸۵، دستورالعملی با عنوان «دستورالعمل حل و فصل دوستانه» برای تأمین منافع تاجر و شرکت‌ها در قانون تجارت آن کشور پیش‌بینی شده بود. این روش نسبت به تجاری اعمال می‌شد که از نظر اقتصادی دچار مشکل شده‌اند، اما می‌توانند در برهه زمان کوتاهی، آن را جبران کنند. در ادامه، این قانون در سال ۱۹۹۴ اصلاح شد. دست آخر، ماده 3-611L این راهکار را از متن خود به کناری نهاد و راهکار فعلی که مشابه راهکار قبلی است، با عنوان «سازش» در ماده 4-611L به بعد آن قانون درج شده است. توضیحات این مبحث نیز برگرفته از مواد 4-611L تا 15-611L است.^۲

1-Baubeau, Patrice, Monnet, Éric, Riva, Angelo, et al., "Les crises bancaires en France pendant la Grande Dépression: une histoire renouvelée", Revue d'économie financière, 2020, No. 1, p. 330

2-Khorsand, Badiei, et al., op. cit., p. 735.

بنابراین، می‌توان گفت که قوه قضاییه به صورت مستقیم تنها در درجات ۱ تا ۳ ورشکستگی ظاهری دخالت می‌کند و در مرحله ۴، دستور تشکیل شورای سازش را صادر و در مرحله ۵، مأمور ویژه تعیین می‌کند. در مرحله شورای سازش، به کمک میانجی‌گران متخصص در امور شرکت‌داری، جلسه‌ای مشترک بین طلبکاران و تجار، برگزار و راهکار منطقی برای تسویه حساب تعیین می‌شود. در صورت سازش نکردن، دادگاه، شرکت را به اداره تسویه وزارت دادگستری معرفی می‌کند. در مرحله ۵، با توجه به خطر سازش شدن شرایط مالی شرکت، مأمور ویژه قوه قضاییه، نظر فنی خود را در خصوص تسویه دیون صادر می‌کند و بدون صرف زمان برای سازش، در اسرع وقت، حکم مقتضی صادر می‌شود. سیاست قوه قضاییه این است که بدون صدور حکم ورشکستگی، دیون پرداخت شود. بنابراین، در مرحله ۵ به صورت قاطع‌تر، از تجار، خواستار تسویه دیون است که معمولاً با توجه به پی‌آمدهای منفی صدور این حکم، تجار از دستور قوه قضاییه اطاعت می‌کنند.

بند چهارم. کمک‌های مقتضی

قوه قضاییه برای کمک به تجار که سیاست کلی آن، جلوگیری از تبدیل وضعیت توقف ظاهری به توقف واقعی است، معمولاً درخواست مساعدت را به سازمان حسابداری ارسال می‌کند. با وجود تحسین‌برانگیز بودن سازوکار عرفی حقوق اداری فرانسه، برخی ضعف‌ها در این خصوص مشهود است. از جمله این ضعف‌ها آن است که سازمان بورس، الزامی به پذیرش درخواست قوه قضاییه ندارد. ارسال مستقیم نامه قوه قضاییه به ارگان‌های تابع، نقطه قوت این وضعیت است و تبعیت نکردن برخی ارگان‌ها از نظام قضایی این کشور موجب کاهش اقتدار این قوه شده است. نهادهای زیرمجموعه وزارت دادگستری و همچنین اداره کل حسابرسی، معمولاً از قوه قضاییه تبعیت می‌کنند، ولی سازمان بورس که تعیین‌کننده شیوه کمک به تجار در حال ورشکستگی است، تبعیت مناسبی از قوه قضاییه ندارد. بنابراین، در صورت تشخیص نیاز به کمک توسط سازمان حسابرسی، تجار در حال ورشکستگی به سازمان بورس معرفی می‌شوند و پس از حسابرسی مجدد، درخواست الزام‌آور کمک از طرف سازمان بورس به بانک‌ها ارسال می‌شود.

اگر جریان ورشکستگی از طرف وزارت دادگستری پی‌گیری شود، در مراحل ۱ تا ۳ ورشکستگی ظاهری، سازمان بورس از درخواست این وزارت تبعیت می‌کند و در اسرع وقت، پی‌گیر کمک‌های مالی به شرکت می‌شود. بنابراین، بهتر است که جریان ورشکستگی‌های درجه ۱ تا ۳ از طرف وزارت دادگستری (و نه قوه قضاییه) پی‌گیری شود. در غیاب منبع حقوقی الزام‌آور، عرف شکل‌گرفته از این خلأها رنج می‌برد.

گفتار چهارم. رویه اداری در مرحله توقف واقعی

اساس سیاست‌های اجرایی - قضایی فرانسه برای جلوگیری از ورود شرکت‌ها به مرحله ورشکستگی واقعی است که تا حدود زیادی، موفق ارزیابی شده است. با این حال، باز هم جریان ورشکستگی واقعی کاملاً مرتفع نشده است و در این مرحله نیز اقدامات پیش‌گیرانه برای جلوگیری از بدتر شدن وضعیت انجام می‌شود که به این مهم می‌پردازیم.

بند اول. تشکیل کمیته

در صورت تشخیص وضعیت ورشکستگی واقعی، در هر مرحله‌ای که باشد، دستور تشکیل کمیته صادر می‌شود. از نظر حقوق دانان فرانسوی، این موضوع مهم در حیطه راهکارهای غیر قضایی جای دارد.^۱ در این باره به کمک کمیته‌های تنسيق کننده که متصدیان قضایی را به میانجی‌گری و وساطت مجبور می‌کنند یا کمک‌های دولتی و یارانه (سوبسید)هایی می‌توان اشاره کرد که برای نجات تاجر از ورشکستگی پرداخت می‌شود. در این باره نیز سند اجرایی و منبع حقوقی مستقلی وجود ندارد، اما تمامی اقدامات کمیته حول تقسیط بدهی‌ها انجام می‌گردد. گاهی دولت، پرداخت برخی اسناد تجاری را بر عهده می‌گیرد و در عوض، شرکت، این دین را به صورت اقساط پرداخت می‌کند.^۲ به هر حال، تصمیم کمیته‌ها در این موارد، لازم‌الاجرا تلقی می‌شود. هماهنگی خاصی که بین تمامی ارگان‌ها وجود دارد، موجب تبعیت از این دستورها در اسرع وقت خواهد شد. از نظر حقوق شرکت‌ها نیز مدت‌دار شدن بدهی می‌تواند شرکت را از ورشکستگی نجات دهد.^۳

با توجه به این که اولین مرحله از ورشکستگی واقعی، ورود به مرحله یک است، به محض احراز این وضعیت، کمیته‌های ویژه تشکیل می‌شود که مطابق آمار ارائه شده، در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ موجب بازگشت ۶۷ درصد شرکت‌های معرفی شده به توقف ظاهری شده است.^۴ این آمار، موفقیت تقریباً مناسب دولت فرانسه را برای مقابله با ورشکستگی نشان می‌دهد. البته در این آمار، تعداد شرکت‌های وارد شده به این مرحله اندک است. بنابراین، اساس موفقیت پیش‌گیری از ورشکستگی را می‌توان به جلوگیری از ورود به اصل ورشکستگی واقعی دانست.

1-Jaiswal, Hrishikesh, "Process of Arbitration in India: A beginner's guide", PenAcclaims Law Journal, 2020, p. 121.

۲. بوالحسنی، حمید، قواعد حل تعارض قوانین در اعتبارات اسنادی بین‌المللی، تهران: ندای کارآفرین، چاپ اول، ۱۳۹۷، ص ۳۲.

۳. پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۹۸، ص ۵۴.

۴. جوادی، امیر، حقوق تجارت بین‌الملل، تهران: حقوق‌یار، چاپ سوم، ۱۳۹۸، ص ۲۱.

تشکیل کمیته‌های ویژه که از اختیارات مناسب قضایی برخوردارند، انتخابی هوشمندانه در بدو ورود به توقف واقعی است؛ چون این اقدام در مرحله ظاهری موجب توقف فعالیت شرکت و به تبع آن، تشدید وضعیت ورشکستگی می‌شود. این اقدام در بدو ورشکستگی واقعی، ضرورتی واقعی به شمار می‌رود.

بند دوم. نجات

در حقوق تجارت کشور فرانسه، قواعد ورشکستگی منحصر به تجار و بازرگانان نیست، بلکه شامل تجار و کسبه جزء، همه اشخاصی که مشاغل مستقل زیر کنترل دولت دارند، از قبیل وکلا، سردفتران و کارشناسان رسمی دادگستری، کشاورزان و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، مثل مؤسسات زبان نیز می‌شود. شرایط الحاق تاجر به دوره نجات که اختیاری است، عبارتند از تقاضای تاجر، اثبات لاینحل بودن مشکلات از سوی تاجر و اثبات این که وی هنوز متوقف نشده است.^۱

در خصوص آثار دوره نجات نیز باید بیان داشت که قانون‌گذار با پیش‌بینی دوره نجات، برای تاجر مصونیت ایجاد می‌کند و این مصونیت، همان فسخ نشدن قراردادهای بین تاجر با بستانکاران است. پس صرف ورود تاجر به دوره نجات باعث ایجاد حق فسخ برای طرفین قرارداد با شخص بدهکار نیست. بستانکاران نمی‌توانند ورود تاجر به مرحله نجات را به منزله زنگ خطر قلمداد و به همین دلیل، قراردادهای خود را با تاجر فسخ کنند.

از طرف دیگر، قانون‌گذار برای ارفاق به تاجر و جلوگیری از توقف وی، اجازه فسخ برخی از قراردادهایش را به او می‌دهد. برای مثال، تاجری اوضاع مالی خوبی دارد و یک واحد مسکونی بزرگی را اجاره کرده است و بابت آن، اجاره‌بهای زیادی نیز پرداخت می‌کند. حال که دوره پیش‌گیری را پیموده و وارد دوره نجات شده است، احساس خطر می‌کند و می‌خواهد از توقف خویش و پی‌آمدهای بعدی آن مصون باشد. پس وی حق دارد که قرارداد اجاره این واحد مسکونی را فسخ کند.

دوم این که طرح دعوی فسخ، توقف و ورشکستگی علیه تاجری که وارد دوره نجات شده است، ممنوع و بر خلاف قانون است. سوم این که در صورت توقف، هیچ سود و خسارت تأخیر تأدیه‌ای به بستانکاران تعلق نمی‌گیرد، به جز وام‌های بانکی که مهلت پرداخت اقساط آن، بیش‌تر از یک سال باشد. نکته آخر این که دیون مؤجل تاجر، به صرف آغاز دوره نجات حال نمی‌شود.

۱. دانا، محمد مهدی و اسماء حبیب‌نیا، «بررسی تطبیقی قانون تجارت با لایحه تجارت (با تمرکز بر شرکت‌های سهامی)»، نخستین کنفرانس بین‌المللی بورس، بانک و بیمه با رویکرد توسعه پایدار (ارتباط دانشگاه با صنعت)، شیراز، ۱۳۹۳، ص ۳۲.

بند سوم. مسئولیت‌های اداری

با توجه به این‌که اساس سیاست اجرایی - قضایی فرانسه برای تبدیل ورشکستگی ظاهری به ورشکستگی واقعی است، برای نهادهای اداری ذی‌ربط، مسئولیت‌هایی در نظر گرفته شده است. پلیس اقتصادی به عنوان ضابط دادگستری در مسائل اقتصادی، ملزم به رصد دایمی فعالیت‌های اقتصادی است. اگر آمار تبدیل ورشکستگی ظاهری به واقعی بالا باشد، مسئولان این نهاد باید به وزارت کشور و ریاست جمهوری پاسخ‌گو باشند. در صورت لزوم، پارلمان نیز حق سؤال از مسئولان انتظامی را دارد. در جریان بحران مالی ۲۰۰۷، آمار شرکت‌های تبدیل وضعیت‌یافته به بیش از ۳۰۰ مورد رسید که پس از برگزاری جلسه مشترک ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس و رئیس پلیس اقتصادی این کشور، مسئولیت پلیس به سبب اوضاع خاص کشور منتفی اعلام شد.^۱

سازمان حسابرسی نیز در صورت بالا بودن آمار تبدیل وضعیت توقف ظاهری از مرحله ۳ به ۴، مسئولیت دارد و باید به وزارت اقتصاد پاسخ‌گو باشد. تاکنون موردی از احراز این مسئولیت گزارش نشده است. وزارت دادگستری با توجه به اختیارات عرفی خود در جریان کسب استعلام‌ها، مسئولیتی نسبتاً سنگین‌تر دارد و در تبدیل وضعیت ۱ به ۲ ظاهری مسئول است. در صورت لزوم، وزارت دادگستری به صورت مشترک به رؤسای قوای سه‌گانه این کشور پاسخ‌گوست.

در خصوص مسئولیت‌های یادشده، اگر قصور مسئولان مربوط به اثبات برسد، امکان عزل یا تنبیه اداری آنان وجود خواهد داشت. به صورت نانوشته، چنین است که در صورت بالا بودن آمار ورود به وضعیت ۵ واقعی، مسئولیت کیفری مسئولان محرز است. در طول تاریخ، در دهه ۱۹۶۰ به سبب وضعیت بد اقتصادی و بالا بودن آمار ورشکستگی، مدیران سازمان حسابرسی و اداره تسویه وزارت دادگستری به دادگاه معرفی شدند، ولی در نهایت از مسئولیت تبرئه گردیدند. حقوق‌دانان فرانسوی معتقدند که حسب این رویه، در صورت بالا رفتن آمار ورشکستگی می‌توان مسئولیت کیفری مدیران سازمان‌های یادشده را محرز دانست.^۲ منابع حقوقی نوشته نیز جزئیات این مسئولیت را مشخص نکرده است و حسب نظر قاضی، در این باره تصمیم‌گیری می‌شود. نکته قابل توجه این است که حسب ماده دهم اساس‌نامه بورس که این نهاد را کاملاً عمومی و بدون وابستگی به دولت یا ارگان‌های خصوصی معرفی می‌کند، این نهاد در قبال ورشکستگی شرکت‌ها مسئولیتی ندارد. با توجه به عمومی بودن این سازمان و دیگر مسائل حقوق عرفی، این رویه در نظام حقوق اداری فرانسه شکل گرفت و با وجود نقش مهم

1-Horton, David, "Arbitration About Arbitration", Stan. L. Rev., 2018, 70 p. 431.

۲. پاسبان، محمدرضا، «قانون تجارت ایران در گردونه تحول: بررسی اصلاح مقررات شرکت‌های تجاری»، پژوهش‌های حقوقی، دوره سوم، ۱۳۸۴، ص ۷.

سازمان بورس در کاهش ورشکستگی‌ها و همکاری متناسب غیر الزام‌آور دیگر نهادها با این سازمان، در صورت بالا رفتن آمار ورشکستگی، سازمان بورس هیچ مسئولیتی در این قبال نخواهد داشت.

به طور کلی، یکی از اهداف جرم‌انگاری فعل یا ترک فعل‌ها، ایجاد عامل پیش‌گیرانه است. با توجه به مسئولیت‌های اداری مقابله با ورشکستگی در کشور فرانسه، ضمانت تنبیه‌های اداری - کیفری در این باره به خوبی وضع شده است که می‌تواند عامل انگیزشی برای اجرای صحیح مسئولیت‌های اداری این حوزه باشد. مستثنا کردن مسئولان سازمان بورس از هر گونه مجازات، با این تفسیر که اعمال مجازات در سازمان‌های عمومی ممکن نیست، خلاف واقع است؛ چون مسئولان سازمان‌های عمومی در اداره بخشی از منابع عمومی که متعلق به کل ملت است، مسئولیت دارند و در صورت قصور، مستحق مجازاتند. پس تنها انتقاد به رویه دولت‌مردان فرانسه در این خصوص، معافیت مقامات سازمان بورس از مجازات است.

گفتار پنجم. اجرای الگوی اداری مرتبط در ایران

نظام‌های حقوقی، اداری و اجرایی دو کشور ایران و فرانسه تفاوت‌های فاحش با هم دارند. در حال حاضر، اجرای الگوی پیش‌گیری فرانسوی در ایران با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست که برمی‌شماریم.

بند اول. نهادهای مسئول

اقدامات پیش‌گیرانه دولت فرانسه برای مقابله با ورشکستگی قابل تحسین است، اما انتقادهایی نیز بر آن وارد است. یکی از این انتقادهای، افزایش تعداد نهادهای دخیل است. در ایران با توجه به محدودیت امور اداری به اسناد حقوقی، به راحتی می‌توان ارگان‌های دخیل در این خصوص را کاهش داد. در حال حاضر، قوه قضاییه، مرجع اصلی رسیدگی به ورشکستگی است و وزارت دادگستری در این موضوع دخالتی ندارد. البته با توجه به اصل یک‌صد و شصتم قانون اساسی، رئیس قوه قضاییه می‌تواند این اختیار را به وزارت دادگستری تفویض کند. با این حال، توصیه شده است که مرجع اصلی مقابله با ورشکستگی، اداره ورشکستگی زیر نظر قوه قضاییه تعیین شود.

قوه قضاییه برای اعمال خود، نیازمند ضابطان عام و خاص است. از حدود یک سال پیش، «پلیس امنیت اقتصادی» از «پلیس آگاهی» استقلال یافت و مسئولیت مقابله با جرایم اقتصادی به این نهاد انتظامی سپرده شد. بنابراین، بهترین گزینه برای نظارت دائمی بر

فعالیت شرکت‌ها و تشخیص وضعیت ورشکستگی آنان، پلیس امنیت اقتصادی است که باید شرح وظایف ضابطیت آن وضع شود.

درست است که به گزارش‌های مالی سازمان بورس اوراق بهادار کشور مانند دیگر کشورها اعتماد کافی وجود ندارد و گاه اطلاعات غلط ارائه شده موجب انحراف در مسیر مالی شرکت می‌شود. با این وصف، در حال حاضر، مستقل‌ترین و معتمدترین حسابرسی انجام شده به سازمان بورس اوراق بهادار مربوط است.

سازمان حسابرسی نیز بر امور حسابرسی کشور نظارت دارد، اما در خصوص استقلال و اعتماد به این سازمان، بحث‌هایی مطرح است. در مواردی که شرکت‌های تجاری، عضو سازمان بورس نیستند، تنها مرجع قابل اعتماد حسابرسی، سازمان یادشده است. پس نیاز است که به دو گزارش مالی سازمان حسابرسی و سازمان بورس به صورت هم‌زمان استناد گردد و مسئولیت نظارت دایمی بر مسائل مالی نیز به پلیس امنیت اقتصادی سپرده شود. ساختار بندی ورشکستگی در ایران انجام نشده است که پلیس امنیت اقتصادی باید آن را به سامان برساند. در این خصوص، قوه قضاییه معمولاً نقش ناظر را ایفا می‌کند و با صدور احکام قضایی، به اقدامات ضابطان، جنبه قانونی می‌بخشد. بنابراین، در نهایت، گزارش‌های پلیس امنیت اقتصادی به اداره ورشکستگی قوه قضاییه و در صورت لزوم، صدور احکام قضایی بازرسی می‌تواند مبنای تعیین وضعیت مالی شرکت‌ها باشد. در این صورت، قوه قضاییه اقدامات مقتضی را در این خصوص انجام خواهد داد.

با توجه به ساختار قدیمی و نامناسب بانکداری در کشور، امکان همکاری آن‌ها در این زنجیره وجود ندارد و به مشکلات دیگری دامن خواهد زد. بنابراین، تا زمان اصلاح نهایی نظام بانکداری منسوخ شده کشور نمی‌توان این نهاد اقتصادی را در خصوص مقابله با ورشکستگی، همکار دانست.

بند دوم. تبیین مسئولیت‌های اداری

گفتیم که یکی از نقاط قوت نظام حقوق اداری کشور فرانسه، هماهنگی مناسب عرفی سازمان‌ها با یکدیگر است. گاه با دستور یک مقام دولتی در بازه مشخص، این رویه شکل گرفته و بعدها بدون الزام حقوقی به رسم بدل گشته است. در ایران، حتی با وجود قوانین نوشته، در بسیاری از موارد، مسئولیت‌های اداری به درستی تبیین نشده است.^۱ برای مثال، درباره مسئولیت وزارت صمت در برخورد با برخی گرانی‌ها می‌توان گفت که با وجود چندین منبع حقوقی نوشته در خصوص ادغام وزارت‌خانه‌های بازرگانی و صنعت، باز هم با

۱. عمرانی، حیدر، *بررسی ضمانت در اسناد تجاری*، تهران: قانون‌یار، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۳۲.

این تفسیر که اکنون وزارت بازرگانی وجود ندارد، مسئولان از مسئولیت مقابله با گرانی طفره می‌روند. این قبیل مثال‌ها در ایران فراوان است و تا زمان تبیین دقیق مسئولیت حسب حقوق نوشته، امکان الزام برخی امور به اداره‌ها و سازمان‌ها وجود نخواهد داشت. این برداشت صحیح است که نظام حقوقی ایران از نوع نوشته است، نه عرفی. به عقیده حقوق‌دانان، هیچ نظام حقوقی بدون تأثیر از عرف نیست و قدرت منابع حقوقی نوشته نیز در تبیین دقیق مسئولیت‌ها محدود است. در حقوق اداری ایران، امکان تبیین مسئولیت‌های اداری حسب عرف وجود ندارد. بنابراین، تا زمان تدوین قانون نوشته کامل و جامع با تبیین دقیق مسئولیت‌ها نمی‌توان به اجرای این الگو در کشور امید داشت. هماهنگی نهادهای اجرایی زیر نظر دولت و نظارت در سطوح کلی با هماهنگی سران سه قوه ممکن است. چنین به نظر می‌رسد که در صورت تبیین دقیق جزئیات مسئولیت در ایران حتی بتوان ضعف‌های حقوق اداری نظام فرانسه را نیز جبران کرد و با کم‌ترین چالش برای اجرای الگوی مورد نظر گام برداشت.

بند سوم. هماهنگی‌های اداری

با وجود اختیارات دولت به هماهنگی بین ارگان‌های زیرمجموعه و هم‌چنین جلسات سران سه قوه، باز هم ناهماهنگی اداری به سبب نبود منابع حقوقی نوشته مشهود است. برای مثال، به ناکامی در مبارزه با قاچاق کالا می‌توان اشاره کرد. اساس مبارزه با پدیده قاچاق، در سیاست‌های کلان کشور جای دارد، اما به سبب ناهماهنگی بین نیروی انتظامی، قوه قضاییه و ستاد اموال تملیکی (که مجال ورود به جزئیات آن وجود ندارد)، در عمل، بسیاری از تلاش‌ها برای مقابله با قاچاق کالا عقیم مانده است.

بیان شد که نوشته بودن حقوق ایران، نظام اداری را با این مسئله حقوقی مواجه کرده است که تنها باید در چارچوب بخش‌نامه‌ها و اسناد حقوق اداری عمل کند و حرکت بر خلاف آن جایز نیست، مگر در برخی مسائل جزئی خاص. در کشور فرانسه، با وجود حداقل منابع حقوق نوشته اداری، عرف شکل‌گرفته به خوبی توانسته است بین نهادهای مختلف هماهنگی ایجاد کند. بنابراین، با هدف اجرای صحیح الگوی مورد نظر در ایران باید جزئیات هماهنگی‌های یادشده به صراحت کامل مشخص شود.

نتیجه‌گیری

سؤال پژوهش این بود که عوامل موفقیت نظام حقوقی - اجرایی فرانسه برای پیش‌گیری از ورشکستگی چیست و این الگو در ایران چگونه قابل اجراست؟ چنین فرض شده بود که قوانین کامل و اختیارات و هماهنگی‌های اداری مناسب در کشور فرانسه برای مقابله با پیش‌گیری از ورشکستگی، عامل موفقیت دولت این کشور است، ولی این موضوع مهم به سبب نبود سند اجرایی و تعهدات اداری، در حال حاضر در ایران قابلیت اجرایی ندارد.

این فرضیه قابل تأیید است و می‌توان آن را پاسخی به سؤال پژوهش دانست. در کشور فرانسه با وجود قدمت طولانی قانون‌گذاری، حقوق عرفی در نظام اداری این کشور جایگاه ویژه دارد و نهادها حسب مقتضیات با یکدیگر همکاری دارند. با این حال، نظام سلسله‌مراتب بدون سخت‌گیری خاصی عمل می‌کند و اختیارات نهادهای تابع برای پیشبرد امور، مناسب ارزیابی می‌شود. نهادهای کشور فرانسه از این نقطه قوت استفاده صحیح کرده و سازوکاری مناسب برای پیش‌گیری از ورشکستگی بنا نهاده‌اند.

همکاری عرفی بین نهادها در نظام حقوق اداری ایران پیشنهادی ندارد و حسب نوشته بودن قوانین کشور، ارگان‌ها تنها از منابع حقوق نوشته تبعیت می‌کنند و سخت‌گیری‌های زیادی نیز در این باره اعمال می‌دارند. با این حال، هماهنگی بین نهادهای مختلف با وجود اختیارات سلسله‌مراتبی به درستی اعمال نشده است و از این نظر، الگوی یادشده در ایران قابل اجرا نیست.

برای اجرای موفق الگوی پیشنهادی در ایران پیشنهاد می‌شود:

۱. گزارش‌های مالی سازمان حسابرسی و سازمان بورس مینا قرار گیرد.
۲. پلیس امنیت اقتصادی به عنوان ضابط قضایی مقابله با ورشکستگی تعیین شود و در شرح وظایف این نهاد، وظیفه نظارت دایمی بر فعالیت‌های مالی شرکت‌ها ذکر گردد.
۳. اداره ورشکستگی زیر نظر قوه قضاییه (در صورت لزوم، وزارت دادگستری)، نهاد قضایی اصلی در خصوص مقابله با ورشکستگی تعیین شود و بر فعالیت ضابطان نظارت داشته باشد. در صورت وصول گزارش‌هایی از سمت پلیس امنیت اقتصادی، اقدامات مقتضی را حسب ساختار بندی ورشکستگی انجام دهد.
۴. در حال حاضر، همکاری بانک‌ها با وجود ساختار منسوخ‌شده آن‌ها توصیه نمی‌شود، اما در صورت اصلاح این ساختار مطابق استانداردهای بین‌المللی، می‌توان وزارت اقتصاد را به اجرای دستور قضایی پرداخت تسهیلات ملزم کرد. در این صورت، بانک عامل برای کمک به شرکت تعیین می‌شود.

بنابراین، به مسئولان عالی‌مقام کشور پیشنهاد می‌شود که از اختیارات اجرایی و هماهنگی

خود بهره ببرند و اسناد هماهنگی بین اداره‌ها را با ذکر دقیق مسئولیت‌ها تبیین کنند و به تمام نهادهای مرتبط بفرستند. ضروری است در لایحه جدید قانون تجارت که پس از گذشت دو دهه هنوز مراحل تقنینی آن کامل نشده است، تغییراتی اعمال گردد و کلیات پیش‌گیری از ورشکستگی در این منبع حقوقی ذکر شود. در این صورت، با تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی در چارچوب این منبع حقوقی می‌توان ضمن تصریح دقیق مسئولیت‌های اداری، به موفقیت‌های مشابه نظام اجرایی - قضایی فرانسه دست یافت.



فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. بوالحسنی، حمید، قواعد حل تعارض قوانین در اعتبارات اسنادی بین‌المللی، تهران: ندای کارآفرین، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۲. پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۹۸.
۳. جوادى، امیر، حقوق تجارت بین‌الملل، تهران: حقوق‌یار، چاپ سوم، ۱۳۹۸.
۴. عمرانی، حیدر، بررسی ضمانت در اسناد تجاری، تهران: قانون‌یار، چاپ اول، ۱۳۹۶.

ب) مقاله

۱. آرایى، مسعود، پژمان محمدی و غلام‌حسن مزارعی، «اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای مشارکت در حقوق اداری ایران»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره سوم، ۱۴۰۰، صص ۶۱-۸۴.
۲. باقری، مصطفی و فاطمه رنگرز باسلیقه، «اسناد تجاری در حقوق تجارت»، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، شیراز، ۱۳۹۴.
۳. پاسبان، محمدرضا، «قانون تجارت ایران در گردونه تحول: بررسی اصلاح مقررات شرکت‌های تجاری»، پژوهش‌های حقوقی، دوره چهارم، ۱۳۸۴، صص ۴-۱۱.
۴. دانا، محمدمهدی و اسماء حبیب‌نیا، «بررسی تطبیقی قانون تجارت با لایحه تجارت (با تمرکز بر شرکت‌های سهامی)»، نخستین کنفرانس بین‌المللی بورس، بانک و بیمه با رویکرد توسعه پایدار (ارتباط دانشگاه با صنعت)، شیراز، ۱۳۹۳.
۵. ناصحی، میثم، علی فقیه حبیبی و کیوان صداقتی، «تأملی بر استقلال واحدهای محلی از منظر آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره سوم، ۱۴۰۰، صص ۳۹-۶۴.

ج) پایان‌نامه

۱. عبداللهی، حسن، «شرایط ماهوی تحقق ورشکستگی در قانون تجارت و لایحه جدید قانون تجارت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان کردستان، سقز، ۱۳۹۸.
۲. حاجی، محمد، «بررسی مسئولیت امضاکنندگان اسناد تجاری در حقوق ایران با نگرش به لایحه جدید قانون تجارت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان کردستان، سقز، ۱۴۰۰.

د) قانون و مقررات

۱. قانون تجارت الکترونیک ایران، مصوب ۱۳۸۲.
۲. قانون تجارت ایران، مصوب ۱۳۱۱، با آخرین اصلاحات.
۳. قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۱۶، با آخرین اصلاحات.
۴. قانون مدنی فرانسه، آخرین اصلاحات در سال ۲۰۱۶.
۵. قانون تجارت فرانسه، مصوب ۱۸۰۷، با آخرین اصلاحات.

2-English source

- 1-Abdala, Manuel A., “Key damage compensation issues in oil and gas international arbitration cases”, *Am. U. Int'l L. Rev.*, 2008, 24: 539
- 2-Alaedini, Amirabbas and Azarbaijani, Alireza, “Clarifying the Existing Approaches to Prevent Companies from Bankruptcy in the Bill of Trade and the France’s Law”, *Journal of Strategic Management Studies*, 2016, 6.24: 39-66
- 3-Borghetti, Jean-Sébastien, “Civil Liability for Artificial Intelligence: What Should its Basis Be?”, *La Revue des Juristes de Sciences Po*, 2019, 17: 94-102
- 4-Bueno, Nicolas and Bright, Claire, “Implementing human rights due diligence through corporate civil liability”, *International & Comparative Law Quarterly*, 2020, 69.4: 789-818
- 5-Chong, Shou Yu and Alexander, Nadja Marie, *Case Note: Enforceability of Agreements to Mediate in English Law*, 2020
- 6-Cossat, Sandra, Chaplier, Jérôme and De Lomenie, Tiphaine Beau, “The French law on duty of care: A historic step towards making globalization work for all”, *Business and Human Rights Journal*, 2017, 2.2: 317-323
- 7-Dafe, Florence and Williams, Zoe, “Banking on courts: financialization and the rise of third-party funding in investment arbitration”, *Review of international political economy*, 2021, 28.5: 1362-1384
- 8-Fontanelli, Filippo and Tanzi, Attila, “Jurisdiction and admissibility in investment arbitration. A view from the bridge at the practice”, *The Law & Practice of International Courts and Tribunals*, 2017, 16.1: 3-20
- 9-Gerhardt, Maria, “Consumer Bankruptcy Regimes and Credit Default in the US and Europe: A comparative study”, *CEPS Working Document No. 318*, 27 July 2009

- 10-Ghaisary, Seyed Ata, Yousefzadeh, Morteza and Habib, Mahmood, “Preventive civil liability and its educational principles in the high school social studies textbook”, *Revista Conrado*, 2020, 16.76: 68-78
- 11-Guthrie, Benjamin K. and Hioureas, Christina G., *Sovereignty Disputes and Offshore Development of Oil and Gas*. 2018
- 12-Horton, David, “Arbitration About Arbitration”, *Stan. L. Rev.*, 2018, 70: 363.
- 3-Jaiswal, Hrishikesh, “Process of Arbitration in India: A beginner’s guide”, *PenAcclaims Law Journal*, 2020
- 14-Jones, Odwyn, Lilford, Eric and Chan, Felix, *The Business of Mining: Mineral Project Valuation*. CRC Press, 2018
- 15-Khorsand, Badiei, et al., “A Comparative and Educational Study of Laws in Litigation of Religious Minorities in Iran and Lebanon”, *Iranian Journal of Comparative Education*, 2020, 3.2: 724-736
- 16-Lal, Hamish and Casey, Brendan, “Multi-Tiered Dispute Resolution Clauses in International Arbitration–The Need for Coherence”, *ASA Bulletin*, 2020, 38.4
- 17-Maleki, M., Eslami, M. and Rezaei, M., “Principles of Arbitration in Oil Contracts”, *Revista Publicando*, 2018, 5.14: 779-800

3-French source

- 1-Baubeau, Patrice and Angelo Riva, “Au prisme du scandale: crise, faillites bancaires et régulation financière dans la France de l’entre-deux-guerres”, *Entreprises et histoire* 101, 4, 2020, pp. 44-63
- 2-Baubeau, Patrice, Monnet, Éric, Riva, Angelo, et al., “Les crises bancaires en France pendant la Grande Dépression: une histoire renouvelée”, *Revue d'economie financière*, 2020, No. 1, pp. 329-336
- 3-Guerini, Mattia, et al., “Dynamique des défaillances d'entreprises en France et crise de la Covid-19”, *OFCE Policy brief* 73, 2020, p. 19

Investigation the administrative procedure of bankruptcy prevention in France and the possibility of its application in Iran's administrative law system

Maryam Dadkhah*

Mitra Zarabi **

Abstract:

In line with preventive judicial policies, the issue of bankruptcy prevention has been raised, and the French government has been very successful in this regard. Despite the high rate of bankruptcy in our country, this research was conducted with the aim of investigating the administrative procedure of the French government in this case and the possibility of applying this model in the legal system of our country. The research method was analytical-descriptive. It was concluded that despite the fact that the main laws of France were written, the administrative law system of this country had a certain influence of customs and without respecting the hierarchical issues, the institutions cooperated properly with each other and determined their legal responsibilities according to customs. The division of bankruptcy into two types, apparent and real, has the main effect on the adopted administrative mechanism of prevention, and the general policy of the authorities of this country is not to convert the type of suspension from apparent to real. In our country, due to the limitation of administrative affairs to legal documents and strictness in this matter, especially in the matter of hierarchy, it has not been possible to implement this model, and it is necessary that appropriate legal documents be prepared in this regard and the exact details of responsibilities should be clearly mentioned.

Keywords: Bankruptcy, French legal system, Prevention, Administrative law, Suspension.

*. Doctorate student, private law, Adalat University,

negarmedia@yahoo.com.

**..Assistant Professor, Department of Law, Damavand Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

(Corresponding Author) Zarabi57@yahoo.com.